

اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم

www.leftdialouge.blogspot.com
Email: arastoo.agora81@gmail.com

گفتمان چپ

نشریه

فهرست

- اهداف گروه ————— صفحه ۲
- پوستر ————— صفحه ۲
- هدف نشریه ————— صفحه ۳
- پوستر ————— صفحه ۳
- گفتار انگلس درباره فرا رفتن از دموکراسی ————— صفحه ۴
- واقعیت عملکرد چپ ————— صفحه ۴

از تمام جریانات و اشخاص چپ
گرا که پیروزی جنبش لغو
کارمزدی آرمان زندگی شان
است دعوت به عمل می آید تا
در مباحث گفتمان چپ فعالانه
شرکت نمایند.

پیشن شماره



آدرس های گوگل گروپ:

<http://groups.google.com/group/goftemanechap?hl=fa>

Email: goftemanechap@googlegroups.com

۵. افرادی که در کار گروه اختلال ایجاد کرده (بی احترامی کردن به دیگران.. فحاشی.. شایعه پراکنی ... و موارد دیگر) در مرتبه اول تذکر داده خواهد شد و در مرتبه دوم با همه پرسی از همه اعضای گروه لغو عضویت خواهد شد.

هدف ما بررسی:

چرایی اینکه امروز اندیشه چپ در ایران نتوانسته جایگاهی در بین مردم ایجاد کند

چرایی ناکامی چپ در ایران

علل اختلافات فراوان در بین گروه ها و

فعالین چپ

ایجاد فضایی که همه ی اندیشه ها بتوانند در آن به بحث و تبادل نظر بپردازند و ضعف ها و اشتباهات و ناکامی های گذشته را مورد بررسی قرار داده تا بتوانیم راهکارهای اساسی برای حضور هر چه پررنگ تر و موفق تر را در فضای سیاسی امروز بدست بیاوریم. و همچنین شناخت هر چه بهتر هم و یاری نمودن در فعالیت های مختلف. امید است که افراد با هر گونه اندیشه و مرامی در این گفتمان شرکت کرده تا این اهداف به پیش برده شود. مطمئنا در صورت همکاری همه ی ما به نتیجه ی مطلوبی می توانیم دست پیدا کنیم.

اساسنامه گروه

۱. روش کار گروه به شکلیست که تنها گروه می تواند برای اشخاص دعوتنامه برای عضویت ارسال کند. دلیل اینکار ممانعت از عضویت عناصر حکومتی برای تامین اعضای گروه است. بنابراین ما تا حد امکان برای دوستان و گروه ها و فعالینی که می شناسیم در خواست عضویت خواهیم فرستاد... خواهش ما اینست که دوستان افراد مورد اطمینان را به ما معرفی کنند تا با اعضای بیشتری به کارمان ادامه دهیم.

۲. خواهشمندیم تا حد امکان از اسم مستعار استفاده نمایید و اگر ما به ایمیل اصلیتان درخواست عضویت فرستاده ایم با ما مطرح کرده تا به ایمیل دیگری که نشانی از اطلاعات واقعی شما ندارد تماس بگیریم...

۳. دوستانی که می توانند در بخش های مختلف گروه مارا یاری کنند لطفا به ما اطلاع داده تا از کمکشان بهره بگیریم

۴. این گروه متعلق به تمام افرادیست که در آن شرکت خواهند کرد و هیچ شخص و گروهی حتی مدیریت گروه حق نخواهد داشت گروه را به نام خود صادره نماید.

با تشکر



هدف نشریه:

جهت اینکه از بحث های گروه نتایج مفیدی استخراج شود اقدام به تاسیس وبلاگ گفتمان چپ نمودیم تا در آینده بحث های مفید را در دسترس همگان قرار دهیم... همچنین هر ماه گلچین و خلاصه ای از مقالات و بحث ها و گفتگو های گروه به صورت نشریه تهیه شده و در تیراژ بالا در دانشگاه ها و سطح شهر پخش خواهد شد.

هدف از ایجاد این صفحه بررسی مسائل نشریه و وبلاگ گفتمان توسط تمامی اعضا و دوستان می باشد که در صورت انتقادات و پیشنهاد هایشان منظور شده است.

همچنین روند کار نشریه به شکل زیر خواهد بود:

مطالب و بحث هایی که دارای بیشترین مخاطب در وبلاگ و همچنین بیشترین امتیاز بین اعضا را داشته اولویت درج در نشریه دارند.

دوستانی که مایلند به عنوان تحریریه گفتمان با ما همکاری کنند به ما اعلام کنند تا رسماً پس از بررسی میزان فعالیت ایشان بصورت عضو تحریریه در بیایند.

هزینه های چاپ نشریه بر عهده گردانندگان این گروه و گروه اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم بوده و دوستانی که مایل به همکاری در بخش چاپ و هزینه ها هستند به ما اطلاع دهند.

کد اسکرپت گروه گفتمان در اختیار اعضا قرار می گیرد تا در صورت تمایل در وبلاگ و سایت هایشان بگذارند.

همچنین وبلاگ گفتمان آماده است تا وبگاه و نشریه ها و سایت های دوستان را تبلیغ کرده و در پخش آن یاری نماید.

گفتار انگلس درباره فرا رفتن از دموکراسی

نوشته لنین

انگلیس ضمن تشریح نادرستی علمی عنوان (سوسیال دموکراسی) به اظهار نظر درباره این مطلب پرداخته است. او ضمن پیشگفتاری برای چاپ مجموعه مقالات سال های ۱۸۸۰-۱۸۷۰ خود درباره مسائل گوناگون و به طور عمده مسائل دارای مضمون بین المللی به تاریخ سوم ژانویه سال ۱۸۹۴ یعنی یک سال و نیم پیش از مرگش، نوشت که در تمام مقالات واژه کمونیست



به کار می رود نه واژه سوسیال دموکرات، زیرا آن دوران پیروان پرودون در فرانسه و پیروان لاسال در آلمان خود را سوسیال دموکرات می نامیدند.

انگلس در ادامه سخنان خود می نویسد:

"... بدین جهت مارکس و من به هیچ وجه نمی توانستیم برای بیان نظر خود اصطلاحی چنین کش دار به کار بریم. حالا وضع بر منوال دیگری است و این واژه (سوسیال دموکرات) شاید جور در آید، اگر چه برای حزبی که برنامه اقتصادی صرفاً سوسیالیستی به معنی اعم نبوده بلکه مستقیماً کمونیستی است، برای حزبی که هدف سیاسی نهایی اش فائق آمدن بر دولت و بالنتیجه فرا رفتن از دموکراسی نیز هست این واژه کماکان غیر دقیق خواهد بود. ولی عنوان احزاب سیاسی واقعی هیچ گاه به طور کامل با آنها جور در نمی آید، حزب پیش می رود و نام بر جای می ماند."

انگلس دیالکتیسیست در اواخر عمر خویش هم به دیالکتیک وفادار است. او می گوید مارکس و من عنوان عالی و از نظر علمی دقیق برای حزب داشتیم، ولی حزب واقعی یعنی حزب گسترده پرولتری وجود نداشت. اکنون (پایان قرن ۱۹) حزب

واقعیت عملکرد چپ

نوشته عابد رضایی

۱. اساساً تحلیل مارکسیستی بنا بر دیالکتیکی بودنش نه از روی انتزاعات که بر اساس واقعیت بر مشی تسخیر قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر برای نابودی و یا نزدیکی به نابودی نظام طبقاتی صورت می گیرد اما آنچه در وجه پلتیک جریانات چپ کنونی است عدم وجود یکی از این شاخصه ها بوده که هر یک می تواند جریان چپی را به نا کجا آباد تاریخ سوق دهد همانند آنچه که در انقلاب ۵۷ رخ داده است.

۲. عموماً جریانات چپ خارج کشور بنا به هر دلیلی در تحلیل خود از یک سوی بام می افتند یا آنقدر جنبش اخیر ایران را چپ می بینند که رنگ سبز و شعارهای خام و هیجانی و گاهاً ارتجاعی مردم را که از راست ها در اثر عدم وجود نیروهای چپ به خورد مردم می دهند کمونیستی دیده و یا عده ای هم آنقدر در کنج خلوت روشنفکری خود فرو رفته که هیچ جنبش مردمی را مربوط به نظام طبقاتی و حاصل آن ندیده که این قبیل جریانات بیشتر به یک گروه افراطی مذهبی خود را نمایان می کنند.

۳. واقعیت امر چنین است که خون مردم از جانب حاکمیت اسلامی که نمایندگی سیاسی طبقه و نظم سرمایه داری را بر عهده دارد به جوش آمده است اما در این بین که تحركات، ناشی از شرایط بد اقتصادی نظام استثمار و سرمایه می باشد نه به توسط مخالفین آگاه آن که همان کمونیست ها باشند بلکه به واسطه جناحی از حاکمیت وضع موجود که دستش از قدرت کوتاه مانده نمایندگی شده و بر نفع بازتولید سرمایه داری به بازی گرفته شده است.

۴. اما در نشریه گفتمان چپ هدف به چالش کشیدن وضعیت چپ و عدم توفیق آن در شرایطی است که زمینه برای ریشه کن کردن سرمایه داری در ایران باز هم فراهم آمده است ولی به صورت واقعی در تحركات مردمی چپ هیچ جایگاهی را اختیار نکرده که مستحق کسب قدرت برای نابودی سرمایه داری باشد

واقعی هست ولی عنوان از نظر علمی نادرست است. عیب ندارد، جور در می آید، مشروط بر اینکه حزب پیشرفت کند و نادرستی علمی عنوان آن از نظرش پوشیده نماند و این عنوان نادرست مانع پیشرفت آن در جهت صحیح نگردد!

شاید یک آدم شوخ طبع، ما بلشویک ها را نیز به شیوه انگلس تسکین دهد و بگوید: ما یک حزب واقعی داریم که بسیار عالی پیش می رود و بنا بر این واژه بی معنی و ناهنجاری چون بلشویک که مطلقاً هیچ چیزی جز این امر صرفاً تصادفی را نمی رساند که ما کنگره بروکسل و لندن در سال ۱۹۰۳ اکثریت داشتیم، ((می تواند جور در آید))... شاید اکنون تاخت و تازهای ماه های ژوئیه و اوت جمهوری خواهان و دموکرات های انقلابی خرده بورژوا علیه حزب ما، واژه بلشویک را به واژه ای این چنین مورد احترام تمام خلق بدل ساخته و علاوه بر آن موجب شده است که حزب ما گام تاریخی بسیار بلندی در راه تکامل واقعی خویش به پیش بردارد و من نیز در مورد پیشنهاد ماه آوریل خود مبنی بر تغییر عنوان حزب مان تردید کنم و شاید به رفقای خویش چنین سازشی را پیشنهاد کنم که حزب خود را حرب کمونیست بنامیم و واژه بلشویک را توی پرانتز حفظ کنیم... ولی مسئله عنوان حزب اهمیتش از مسئله برخورد پرولتاریای انقلابی به مراتب کمتر است.

در بحث های عادی پیرامون دولت پیوسته همان اشتباهی صورت می گیرد که انگلس اینجا درباره آن هشدار می دهد که در شرح پیشین به طور گذرا آن را خاطر نشان ساختیم، یعنی پیوسته از یاد می برند که از میان رفتن دولت به معنای از میان رفتن دموکراسی هم هست و به بیان دیگر زوال دموکراسی است.

چنین ادعایی ابتدا بی نهایت عجیب و نامفهوم به نظر می آید و شاید حتی برای کسانی این بیم پدید آید که آیا ما در انتظار فرا رسیدن آن چنان نظام اجتماعی که در آن اصل تبعیت اقلیت از اکثریت مراعات نشود، نمی باشیم؟

زیرا دموکراسی معنایش پذیرفتن چنین اصلی است.

نه خیر، دموکراسی با تبعیت اقلیت از اکثریت یکسان نیست. دموکراسی عبارت است از دولتی که تبعیت اقلیت از اکثریت را می پذیرد یعنی سازمانی است که بر اعمال قهر منظم یک طبقه بر طبقه دیگر، بخشی از جمعیت بر بخش دیگر.

هدف نهایی ما از میان بردن دولت، یعنی محو هرگونه اعمال قهر متشکل و منظم و به طور کلی هر گونه اعمال قهر انسان هاست. ما در انتظار فرا رسیدن آن چنان نظامی نیستیم که در آن اصل تبعیت اقلیت از اکثریت مراعات نگردد. ولی ضمن کوشش در راه استقرار سوسیالیسم یقین داریم که سوسیالیسم در جریان رشد و تکامل خود به کمونیسم خواهد رسید و آنگاه اصولاً هرگونه نیاز به اعمال قهر بر انسان ها از میان خواهد رفت، زیرا انسان ها عادت خواهند کرد که بدون اعمال قهر و بدون فرمانبری، شرایط ابتدایی لازم برای زندگی اجتماعی را مراعات کنند. انگلس برای تأکید همین عامل عادت از نسل جدیدی سخن می گوید که در محیط اجتماعی جدید و آزاد پرورش یافته است و می تواند همه این آل اشغال دولت مداری را به دور افکند، همه و هرگونه دولت مداری و از جمله دولت مداری جمهوری دموکراتیک را.